

بررسی آگاهی مترجمان قاجاری از اصول و راهکارهای ترجمه: رویکردی فرامتنی^۱

زهرا عاطف‌مهر^۲

چکیده

هدف از پژوهش حاضر پی بردن به آگاهی مترجمان قاجاری، از دوره ناصری تا پایان دوره قاجار (۱۲۶۴-۱۳۴۳ ق/۱۲۲۷-۱۳۰۴ ش)، از اصول و راهکارهای ترجمه با استفاده از عناصر فرامتنی است. برای دستیابی به این هدف، ابتدا فهرستی از ترجمه‌های منتشرشده در بازه زمانی موردنظر گردآوری شد. این فهرست شامل ۳۷۲ ترجمه می‌شود که از این تعداد ۲۰۷ ترجمه در دوره ناصری و ۱۶۵ ترجمه در دوره پس از مشروطه منتشر شده است. سپس، برای دستیابی به ترجمه‌ها، آرشیوهای مختلف به دقت بررسی شد. از میان ۳۷۲ عنوان ترجمه‌ای که در مرحله نخست گردآوری شده بود، ۱۹۹ ترجمه در این آرشیوها یافت شد. در مرحله پایانی، این ۱۹۹ ترجمه از نظر عناصر فرامتنی، شامل مقدمه‌ها/مؤخره‌های مترجمان، پانویس‌ها، حاشیه‌ها و دیگر یادداشت‌های مترجمان در ترجمه‌ها، بررسی شد. یافته‌های این پژوهش برخی کلی‌گویی‌های رایج را، مبنی بر بی‌اعتنایی مترجمان قاجاری به مسئله وفاداری به متن اصلی، به چالش می‌کشد. به علاوه، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در دوره قاجار مترجمانی آگاه به انواع متن، انواع ترجمه، راهکارهای ترجمه‌ای مختلف و هدف ترجمه فعالیت می‌کرده‌اند.

واژه‌های راهنما: تاریخ ترجمه، تاریخ مترجمان، دوره قاجار، دوره ناصری، عناصر فرامتنی،

راهکارهای ترجمه، اصول ترجمه

۱. این مقاله در تاریخ ۱۴۰۱/۰۴/۰۴ دریافت شد و در تاریخ ۱۴۰۱/۰۵/۳۱ به تصویب رسید.

۲. دانش‌آموخته دکتری مطالعات ترجمه، گروه مترجمی زبان انگلیسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی،

دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران؛ پست الکترونیک: s.atfemehr@gmail.com

۱. مقدمه

دوره قاجار (۱۲۱۱-۱۳۴۳ق/۱۱۷۵-۱۳۰۴ش) سرآغاز عصر جدیدی در تاریخ ایران به شمار می‌رود. قاجاریان، که با شش پادشاه به مدت ۱۳۰ سال بر ایران حکمفرمایی کردند، ایران قرن هجدهم میلادی را به ایران مدرن قرن بیستم پیوند زدند. گسترش روابط ایران با کشورهای اروپایی در دوره قاجار، سرچشمه تحولاتی عظیم و چشمگیر در زمینه ورود فناوری‌های مختلف و همچنین در زمینه‌های سیاسی، نظامی و فرهنگی شد. آنچه در شکل گرفتن بسیاری از این تحولات نقشی انکارناپذیر ایفا کرد «ترجمه» بود.

در دوره قاجار، «ترجمه از زبان‌های فرنگی به فارسی نه به عنوان انتخاب فردی یا ذوق‌ورزی، بلکه به‌سان جریانی مستمر» شکل گرفت که همین امر موجب ظهور «جنبش ترجمه» شد (آذرنگ، ۱۳۹۰، ص ۵۱). این جنبش ترجمه‌ای «در دوران ولایتعهدی عباس‌میرزا نایب‌السلطنه [۱۲۱۴-۱۲۴۹ق/۱۱۷۸-۱۲۱۲ش] در تبریز» شروع شد و «در روزگار سلطنت ناصرالدین‌شاه [۱۳۱۴-۱۲۶۴ق/۱۲۲۷-۱۲۷۵ش] به اوج رسید» (کیانفر، ۱۳۶۸، ص ۲۳). هدف از ترجمه در سراسر دوره قاجار یکسان نبود. در دوران عباس‌میرزا، و به عبارتی در «مرحله نخست روند ترجمه»، «دال مرکزی ترجمه‌ها... تأکید بر توسعه دانش و شناخت نظامی به عنوان مبنای تحولات دنیای جدید» بود که در نهایت به «مدرنیزاسیون نظامی» انجامید (احمدزاده، ۱۳۹۳، صص. ۲۳-۲۴). در «مرحله دوم»، یعنی دوره ناصرالدین‌شاه، «اغلب ترجمه‌ها با سفارش سیاستمداران و تجار» و با هدف «اقتباس از نوگرایی و الگوبرداری از اروپا به عنوان یک نظام سیاسی-اجتماعی» انجام شد (احمدزاده، ۱۳۹۳، ص ۲۴). سرانجام در دوره مظفرالدین‌شاه (۱۳۱۴-۱۳۲۴ق/۱۲۷۵-۱۲۸۵ش)، «نوآوری در عرصه ادبیات، فرهنگ و اجتماع به اشکال گوناگون مطرح شد و استمرار یافت» و نتیجه فعالیت‌های ترجمه‌ای «انعکاس بخش‌هایی از مدرنیته در قالب‌های اجتماعی-فرهنگی و رشد فکر نقادانه» بود (احمدزاده، ۱۳۹۳، ص ۲۶). در مجموع، ترجمه‌های مترجمان قاجاری موجب «آگاهی جامعه از تحولات و پیشرفت‌های اروپا و درک علل عقب‌ماندگی ایران» شد که در نهایت «با گرایش به نوخواهی، افزایش مطالبات اجتماعی-سیاسی و گسست از اندیشه سنتی، خود را آشکار ساخت» (علیزاده بیرجندی، ۱۳۹۰، صص. ۲۵-۲۶).

۲. پیشینه پژوهش

دوره قاجار در میان ادوار تاریخی گوناگون ایران، توجه بسیاری از پژوهشگران تاریخ ترجمه را به خود جلب کرده است. درحالی که تاریخ پژوهان نقش به‌سزایی در نگارش تاریخ ترجمه دوره قاجار ایفا کرده‌اند (بنگرید به: فشاهی، ۱۳۵۲؛ کیانفر، ۱۳۶۸؛ افشار، ۱۳۸۱؛ بختیار و عرب‌زاده، ۱۳۸۸؛ احمدزاده، ۱۳۹۰؛ علی‌زاده، ۱۳۹۱؛ خسروبیگی و خالدفیضی، ۱۳۹۱). در سال‌های اخیر، توجه پژوهشگران رشته مطالعات ترجمه نیز به این حوزه معطوف گشته است. این گروه از پژوهشگران با نگاهی برآمده از رشته مطالعات ترجمه و با بهره‌گیری از نظریه‌های مختلف به بررسی جنبه‌های گوناگون ترجمه در دوره قاجار پرداخته‌اند و از این طریق به غنای بیشتر دانش تاریخی ما کمک کرده‌اند. در نگاهی کلی، در زمینه تاریخ ترجمه دوره قاجار، موضوعاتی همچون روند ترجمه، نهادهای ترجمه (همچون دارالترجمه ناصری)، آثار ترجمه‌شده، راهکارهای ترجمه‌ای، کنشگران ترجمه و مترجمان بیش از موضوعات دیگر در کانون توجه محققان مطالعات ترجمه بوده است. همچنین، برخی پژوهشگران به بررسی تأثیر ترجمه‌های دوره قاجار بر تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ادبی پرداخته‌اند (بنگرید به: فرحزاد و عدیلی، ۲۰۱۹؛ بلوری و میرکیایی، ۲۰۱۹؛ سعیدی و منافی‌اناری، ۲۰۲۰؛ عاطف‌مهر و فرحزاد، ۲۰۲۱). پژوهش درباره اغلب موضوعات ذکرشده از طریق بررسی متن ترجمه‌ها انجام می‌گیرد، با این حال، در سال‌های اخیر استفاده از عناصر فرامتنی^۱ برای کنکاش در تاریخ ترجمه رو به فزونی گرفته است (بنگرید به: عاطف‌مهر، ۲۰۱۶؛ دل‌زنده‌روی، خزائی‌فرید و خوش‌سلیقه، ۲۰۱۹).

۳. روش پژوهش

در این پژوهش از روش کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است. روش کتابخانه‌ای یا اسنادی روشی «برای انجام دادن بررسی‌های مبتنی بر اسناد و مدارک نوشتاری است» (فرحزاد، ۱۳۸۴، ص ۱۳). پژوهش‌هایی که به روش کتابخانه‌ای انجام می‌شوند «بر حسب ماهیتی که دارند» به انواع مختلفی، از جمله «استدلالی، انتقادی، تاریخی، تطبیقی، شناختی یا توصیفی»، تقسیم می‌شوند

^۱ Paratextual elements

(فرخزاد، ۱۳۸۴، ص ۱۴). پژوهش حاضر از نوع توصیفی است. طبق تعریف فرخزاد (۱۳۸۴)، بررسی‌های توصیفی با هدف «فراهم نمودن آگاهی عمومی یا اختصاصی از چگونگی وضعیت امری ویژه» انجام می‌شوند و در آنها «معمولاً فرضیه یا نظریه خاصی از پیش مطرح نمی‌شود، بلکه هدف از جمع‌آوری و تنظیم داده‌ها، صرفاً ایجاد مجموعه‌ای منظم از آگاهی در یک حیطه خاص» است (ص ۱۶).

این پژوهش با هدف پی‌بردن به میزان آگاهی مترجمان دوره قاجار از اصول و راهکارهای ترجمه انجام شده است. منظور از آگاهی، آشنایی مترجمان با جنبه‌های مختلف ترجمه، از جمله هدف ترجمه، راهکارهای ترجمه‌ای گوناگون، انواع ترجمه، انواع متن، الزامات ترجمه متون مختلف و امثال آن است. از آنجاکه در پژوهش حاضر رویکردی فرامتنی اتخاذ شده است، ملاک پی‌بردن به این آشنایی و آگاهی هرگونه توضیح ارائه‌شده از جانب مترجم در بخش‌های فرامتنی ترجمه، مانند مقدمه، مؤخره یا حاشیه متن، یا کاربرد عناصر فرامتنی همچون پانویس است که به‌طور ضمنی یا مستقیم از دانش ترجمه‌ای مترجم حکایت می‌کند.

به دلیل گستره وسیع دوره قاجار، این پژوهش بازه زمانی دوره ناصری تا پایان دوره قاجار (۱۲۶۴-۱۳۴۳ق/۱۲۲۷-۱۳۰۴ش) را دربرمی‌گیرد. عناصر فرامتنی بررسی‌شده در این مطالعه عبارتند از مقدمه/مؤخره مترجمان و حاشیه‌ها، یادداشت‌ها و پانویس‌های آنها در ترجمه‌ها. برای دستیابی به هدف پژوهش، ابتدا از طریق جستجو در کتابنامه‌ها و آرشیوهای مختلف فهرستی از ترجمه‌های منتشرشده در بازه زمانی مورد نظر گردآوری شد. فهرست تهیه‌شده شامل ۳۷۲ عنوان ترجمه، ۲۰۷ ترجمه منتشرشده در دوره ناصری (۱۲۶۴-۱۳۱۴ق/۱۲۲۷-۱۲۷۵ش) و ۱۶۵ ترجمه منتشرشده در دوره پس از مشروطه، شامل دوره مظفرالدین‌شاه (۱۳۲۴-۱۳۱۴ق/۱۲۷۵-۱۲۸۵ش)، محمدعلی‌شاه (۱۳۲۴-۱۳۲۷ق/۱۲۸۵-۱۲۸۸ش) و احمدشاه (۱۳۲۷-۱۳۴۳ق/۱۲۸۸-۱۳۰۴ش)، است.^۱ سپس، برای دستیابی به آثار ترجمه‌شده، آرشیوهای سازمان

۱. این فهرست، شامل ترجمه‌های متون مذهبی، به دلیل ماهیت خاص آنها، و ترجمه‌های مترجمان معترض یا همان روشنفکر-مترجمان تبعیدی، به دلیل دشواری دسترسی به آنها، نمی‌شود.

اسناد و کتابخانه ملی ایران، کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، مرکز اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی، کتابخانه و موزه ملی ملک و کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران به دقت بررسی شد. از میان ۳۷۲ ترجمه، ۱۹۹ ترجمه (۹۳ ترجمه دوره ناصری و ۱۰۶ ترجمه دوره پسامشروطه)، در این آرشیوها یافت شد. در مرحله پایانی، عناصر فرامتنی این ۱۹۹ ترجمه به دقت بررسی و جزئیات ضروری برای دستیابی به هدف پژوهش گردآوری شد.

۴. یافته‌های پژوهش

در بخش نخست، به میزان آگاهی مترجمان از مسائلی همچون هدف ترجمه و راهکارهای ترجمه‌ای متناسب با آن پرداخته می‌شود. همچنین، راهکارهایی که مترجمان برای جداکردن افزوده‌های خود از متن اصلی به کار گرفته‌اند توضیح داده می‌شود. در بخش پایانی، نظرات سه مترجم قاجاری در مورد ترجمه، که به تفصیل در ترجمه‌های آنها آمده است، شرح داده می‌شود.

۴.۱. آگاهی مترجمان از هدف ترجمه و راهکارهای متناسب با آن

بررسی ترجمه‌ها نشان داد که مقدمه‌نویسی امری نسبتاً رایج میان مترجمان آن دوره بوده است. الگوی غالب این مقدمه‌ها به این ترتیب است که با مدح و ستایش شاه و ذکر خدمات او آغاز می‌شود، سپس مترجم به معرفی خود می‌پردازد و در ادامه هدف خود از ترجمه اثر و راهکارهای ترجمه‌ای اتخاذشده را به اختصار توضیح می‌دهد. همچنین، اگر ترجمه به سفارش شاه یا حامی دیگری انجام گرفته باشد در مقدمه به آن اشاره شده است. از آنجاکه هدف مقاله حاضر بررسی میزان آگاهی مترجمان قاجاری از اصول و راهکارهای ترجمه است، از موضوعاتی همچون حامیان و سفارش‌دهندگان ترجمه و تفاوتی که در لحن مقدمه‌های مترجمان دوره پس از مشروطه نسبت به دوره ناصری به وجود آمد چشم‌پوشی می‌شود. باین‌حال، توضیح این نکته ضروری است که بررسی مقدمه‌های مترجمان در این پژوهش نشان داد که با فاصله گرفتن هرچه بیشتر از انقلاب مشروطه، کمتر اثری از مدح و ثنای شاهان دیده می‌شود. در عوض، مترجمان دوره پسامشروطه به معرفی نویسنده متن و توضیح اهمیت اثر پرداخته‌اند که در اغلب موارد با اغراق فراوان درباره جایگاه علمی نویسنده و ارزش اثر همراه است.

در بسیاری از مقدمه‌ها، هدف از ترجمه تولید متنی سلیس، روشن و قابل‌فهم برای عامه

مردم عنوان شده است. برای نمونه، محمدحسین‌خان، معروف به آقاخان مهندس، از مترجمان دوره ناصری، در مقدمه ترجمه‌اش با عنوان *اصول علم جبر و مقابله* (۱۳۰۵ق/۱۲۶۷ش) اشاره می‌کند که این کتاب را «بطرزی خوب و اسلوبی مرغوب که مجرد از برهان باشد و نزدیک بفهم هر جوان از زبان انگلیسی بزبان فارسی در سلک تقریر و مسمط تحریر درآورد»^۱ (ص ۵). سید تقی تفرشی در مقدمه *رمان سواران شب* (۱۳۲۴ق/۱۲۸۵ش) می‌نویسد که تلاش او تولید ترجمه‌ای «مطبوع طباع عامه و خاصه» بود و به همین دلیل «با اصلاح و انضمام بعضی اشعار و مضامین ترجمه نمود» (ص ۳). در نمونه‌ای دیگر، میرزا اسماعیل‌خان آصف‌الوزاره تبریزی، مترجم *طبیعی و اخلاق بشر* (۱۳۲۸ق/۱۲۸۹ش)، نیز در انتهای ترجمه خود نوشته است: «تبدیل لغتی بلغتی و ترجمه لسانی بلسان دیگر علاوه بر آنکه مهارتی در کار خواهد باز ناچار در بعضی امثله و شواهد از حلاوت اصلی میافتند و مترجم لاعلاج است که تخطر بسیار نماید تا بزبانی که درمیآید مطلوب افتد» (ص ۵۵). ابوالحسن موسوی شوشتری جزایری نیز در *ترجمه اختناق ایران* (۱۳۲۹ق/۱۲۹۰ش) می‌نویسد «چون مبنای اصول کتابت امروزه بر ساده نویسی، و غرض از ترجمه هم آگاهی تمام طبقات ملت بود؛ لهذا کمال سادگی و نهایت بساطت در این ترجمه ملحوظ شد» (ص ۱۲). او در ادامه توضیح می‌دهد: «تصاویری که تعلق و ارتباط تام بمضامین کتاب داشت خصوصاً تصاویر کسانیکه در دوره انقلاب مصدر خدمت یا خیانتی نسبت بسלטنت مشروطه ایران شده بودند فراهم نموده بر تصاویر نسخه اصل انگلیسی افزودم» (ص ۱۲).

مترجمان دوره ناصری عمدتاً با هدف آموزش علوم و فنون مختلف و مترجمان دوره پس از مشروطه با هدف افزایش آگاهی مردم از مسائل مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دست به ترجمه می‌زدند. به همین دلیل، بسیاری از آنها برای انتقال هرچه بهتر اطلاعات هر جا که لازم بود توضیحات بیشتر، اشعار و ضرب‌المثل‌های فارسی یا تصاویر مختلف به متن می‌افزودند. این امر را نباید حاصل ناآگاهی همه مترجمان از مسئله وفاداری در ترجمه و یا بی‌اعتنایی به آن گذاشت. تأکید برخی از آنها بر هدف ترجمه و سپس اشاره آنها به راهکارهایی که برای رسیدن به این

۱. در تمام نقل‌قول‌های مربوط به دوره قاجار شیوه نگارش نویسنده حفظ شده است.

هدف در پیش گرفته‌اند، نشان می‌دهد که دست‌کم عده‌ای از مترجمان قاجاری به نقش تعیین‌کننده هدف ترجمه در انتخاب راهکارهای ترجمه‌ای واقف بوده‌اند. در واقع، این مترجمان با توضیح هدف ترجمه سعی در توجیه دخل و تصرف‌های صورت‌گرفته در متن اصلی داشته‌اند. باین‌حال، اگرچه لازمه تولید متنی روان و قابل‌فهم برای عموم مردم دور شدن از ترجمه تحت‌اللفظی بود، بسیاری از مترجمان، به‌ویژه مترجمان متون علمی در دوره ناصرالدین‌شاه، تلاش کرده‌اند تا از راه‌های گوناگون افزوده‌های خود را از مطالب نویسنده متن جدا کنند تا به این ترتیب متن اصلی دستخوش تغییرات زیادی نشود. در بررسی ترجمه‌ها مشخص شد که حاشیه‌نویسی، استفاده از پراتز و اضافه کردن پانویس سه شیوه اصلی جداکردن توضیحات مترجم از متن اصلی بوده است.

متداول‌ترین راهکار، به‌ویژه در دوره ناصری، حاشیه‌نویسی بوده که در آن افزوده‌های مترجم در حاشیه صفحات کتاب نوشته می‌شده است. مثلاً، مترجمی با نام محمد کاظم در حاشیه ترجمه *اصول علم شیمی جدید* (۱۳۰۷ق/۱۲۶۹ش) برخی از اصطلاحات علمی متن را توضیح داده است. برای نمونه، او در حاشیه صفحه ۴۶ (تصویر ۱) اینگونه نوشته است: «بُن که معنی تحت‌اللفظی آن دُشکی چرخ‌ریسی است در فیزیک اسم . . .^۱ است که مفتول فلزی ابریشم پیچیده در دوران [= دور آن] کشیداند [= کشیده‌اند] و قوه الکتریسیته دران [= در آن] اضعاف و شدید میشود». مترجم دیگری با نام سیدحسین‌خان دکتر در حاشیه ترجمه *مفتاح‌الادویه ناصری* (۱۳۰۸ق/۱۲۷۰ش) صورت اصلی و تعریف بسیاری از اصطلاحات تخصصی را نوشته است. برای نمونه، او در حاشیه صفحه ۹۰ (تصویر ۲)، علاوه بر آوردن صورت فرانسوی چهار عبارت، تعریف دو اصطلاح را نیز نوشته است. اصطلاح اول «عضله سی‌لیری» است که در حاشیه کتاب اصل آن در زبان فرانسوی به صورت *ciliaire* آمده و اینگونه تعریف شده است: «عضله‌ایست ذره‌بینی که یاف او بکریستالین می‌رود بجهه کم و زیاد کردن تحذب او». اصطلاح بعدی که صورت فرانسوی و تعریف آن در صفحه ۹۰ آمده «پُنک تم رم تُم» است. مترجم صورت اصلی این اصطلاح در زبان

۱. موارد ناخوانای دیگر نیز به همین گونه با سه‌نقطه نشان داده شده است.

فرانسه را که *Punctum remotum* است نوشته و در بالای آن چنین تعریفی ارائه کرده است: «نقطه‌ایست که چشم بدون عمل اکُ مداسیون آن نقطه را می‌بیند لهذا پنک تم رم تم چشم صحیح در غیر متناهی واقع است». صورت اصلی عبارت «اکُ مداسیون» نیز، این بار به زبان انگلیسی (*Accommodation*)، همراه با تعریف آن در حاشیهٔ صفحهٔ ۸۹ آمده است: «کم و زیاد شدن تحدب جلیدیه بجهت دیدن از مسافات مختلفه».

راهکار دیگر مترجمان قاجاری برای جداکردن افزوده‌های خود از متن اصلی استفاده از پرانتز است که اغلب برای ارائهٔ توضیحات کوتاه، همچون معنا یا صورت اصلی کلمات، به کار برده‌اند. برای نمونه، آوانس‌خان، از مترجمان پرآوازهٔ دورهٔ ناصری، در ترجمهٔ *سفرنامهٔ وامبری* (۱۳۰۳ق/۱۲۶۴ش) علاوه بر حاشیه‌نویسی، که در دورهٔ ناصری رایج بود، در مواردی نیز از پرانتز استفاده کرده است. مثلاً او در صفحهٔ ۲۹ ترجمه‌اش (تصویر ۳) در داخل پرانتز و پس از عبارت «مترجم گوید» مکان جغرافیایی دو شهر را برای خوانندهٔ خود توضیح داده است: «(مترجم گوید شهر اوک در سرحد شرقی . . . واقع است و کاشغر در مغرب بخارای چین اتفاق افتاد)». مترجم دیگری با نام میرزا علیخان در ترجمهٔ *تاریخ ملل قدیمهٔ مشرق و یونان* (۱۳۲۸ق/۱۲۸۸ش) از پرانتز برای اضافه کردن صورت اصلی کلمات استفاده کرده است. مثلاً او در صفحهٔ ۴۰ (تصویر ۴) اینگونه نوشته است: «در قسمت سفلی فرات قریب ده شهر از بلاد قدیمهٔ مفقودشدهٔ آنجا را پیدا کرده‌اند که بگلی معدوم‌الاثربوده از انجمله اوُر (OUR) و اریدو (ERIDOU) و اوُرُوک (OUROUK) و لارسام (LARSAM) و سیرتلا (SIRTELLA)».

برخی از مترجمان نیز از پانویس استفاده کرده‌اند. در ترجمهٔ *معرفهٔ الارض ناصری* (۱۲۹۸ق/۱۲۶۰ش) از احمد موسوی بحرینی پانویس‌های زیادی مشاهده شد. برای مثال، او در پانویس صفحهٔ ۷۶ (تصویر ۵) «مسیو بوفون»^۱ را که نام او در متن آمده معرفی کرده است: «حکیم مشارالیه از مشاهیر مؤلفین علم حیوانات و قائل لولا آلیوانات لم یدرک حقیقه الانسان است در

۱. ظاهراً منظور Georges-Louis Leclerc Comte de Buffon، نویسنده و عالم فرانسوی قرن هجدهم میلادی، است.

علم حیوانات کتاب مفصل و مصوری دارد که چهار جلد است». میرزا باقرخان تبریزی نیز در ترجمه محاربه چین و ژاپون (۱۳۲۶ق/۱۲۸۷ش) از پانویس استفاده کرده است. اما نکته جالب توجه این است که پانویس‌های او به جای آنکه در پایین صفحه باشد، در وسط متن آمده و با دو خط از متن اصلی جدا شده است. برای نمونه، او در صفحه ۶۲ ترجمه‌اش (تصویر ۶) با این شیوه «کشتی حماله» را به خوانندگان خود شناسانده است: «کشتیهای حماله یا نقاله مخصوص بجهت حمل و نقل قشون و سایر آذوقه و لوازمات جنگست [= جنگ است]».

علاوه بر روش‌های ذکر شده، شیوه خاصی از اشاره به افزوده‌های مترجم در ترجمه‌های علی‌بخش قاجار مشاهده شد. او که در دوره ناصری در تبریز نزد مظفرالدین میرزا ولیعهد خدمت می‌کرد، به زبان فرانسه مسلط بود و کتاب‌های متعددی را، عمدتاً به دستور مظفرالدین میرزا، از زبان فرانسه به فارسی ترجمه کرده است. علی‌بخش قاجار در یکی از همین ترجمه‌ها با عنوان *اسرارالوجود* (۱۲۹۱ق/۱۲۵۳ش) علاوه بر آنکه در برخی موارد از حاشیه‌نویسی استفاده کرده، اغلب افزوده‌های خود را داخل متن آورده است. افزوده‌های درون‌متنی او داخل پرانتز نیست، اما با عبارت‌هایی همچون «مترجم گوید»، «مترجم عرض میکند» یا «تحقیق مترجم» از متن اصلی جدا شده است.^۱ برای نمونه، او در صفحه ۷ ترجمه‌اش (تصویر ۷) پس از این جمله که «گمان کرده‌اند که کره شمس با جمیع سیارات خود سیار هرکول‌اند» توضیحاتی اضافه کرده است که ابتدا با عبارت «تحقیق مترجم»، که به رنگ قرمز نوشته شده، از متن اصلی جدا و سپس با عبارت «مترجم گوید» آغاز شده است: «مترجم گوید که هرکول نام ستاره است از نجوم ثوابت که در مجرد واقع است».

۲.۴. آگاهی سه مترجم قاجاری از ترجمه

۱. این روش در ترجمه‌های قبل از دوره قاجار سابقه داشته است. برای نمونه، شاه ولی‌الله دهلوی (۱۱۱۴-۱۱۷۶ق/۱۰۸۱-۱۱۴۱ش) در ترجمه خود از قرآن برای افزودگی‌های بیشتر از یک-دو کلمه از همین روش استفاده کرده است. او در مقدمه ترجمه‌اش این‌گونه توضیح می‌دهد: «هر چه زیاده از تحت‌اللفظ است، اگر یک دو کلمه است به لفظ "یعنی" یا مثل آن متمایز ساخته شد و اگر کلامی است مستقل، اول آن به لفظ "مترجم گوید" و آخر آن به لفظ "والله اعلم" معلّم کرده شد» (ص ۶۰۷).

در این بخش به معرفی میرزا عبدالغفار اصفهانی، محمدطاهر میرزا و میرزا مهدی‌خان سعدالملک به عنوان سه مترجم آگاه در میان مترجمان قاجاری پرداخته می‌شود چراکه درباره جنبه‌های مختلف ترجمه نظرات مفصل و متفاوتی داشته‌اند.

۴. ۲. ۱. میرزا عبدالغفار اصفهانی

علی‌محمد عبدالغفار اصفهانی (۱۲۵۹-۱۳۲۶ق/۱۲۲۲-۱۲۸۷ش)، معروف به نجم‌الدوله و نجم‌الملک، منجم و ریاضی‌دان شناخته‌شده دوره ناصری، تألیفات و ترجمه‌های بسیاری در زمینه‌های گوناگون، از جمله در ریاضیات، هیئت و نجوم، جغرافی و نقشه‌برداری، دارد که برخی از آنها بارها در دوره قاجار تجدید چاپ و سال‌ها در مدارس مختلف تدریس شد. برخی از آثار نجم‌الدوله عبارت است از: *بداية الحساب*، *كفاية الحساب*، *اصول هندسه*، *بدايه الجبر*، *بدايه النجوم*، *جرثقال* و *هیئت جدید*.^۱

در میان آثار مختلف به‌جامانده از میرزا عبدالغفار، مقدمه چاپ نخست ترجمه‌ای با عنوان *آسمان* (۱۳۱۴ق/۱۲۷۶ش) حاوی نکاتی است که از منظر ترجمه‌ای حائز اهمیت است. براساس آنچه در مقدمه مترجم آمده این اثر به دستور ناصرالدین‌شاه ترجمه شده است. طبق گفته میرزا عبدالغفار، ناصرالدین‌شاه «در سفر دویم فرنگستان کتاب نجوم طبیعی مبسوطی موسوم بآسمان بزبان فرانسه از تصنیفات موسیو . . . گیلمن با خود» آورده و به او دستور می‌دهد که «همه روزه بخاکپای مبارک مشرف شده ترجمه و حاصل مطلب این کتاب را شفاهاً عرض نماید و بتدریج آنرا ترجمه کند تا حسب‌الامر بطبع رسانند و فایده‌اش عام گردد» (ص ۳). پس از دستور ناصرالدین‌شاه، میرزا عبدالغفار «مدت سه ماه متوالی اوقات خود را مصروف» ترجمه این کتاب می‌کند (ص ۳). او که هدف اصلی‌اش از ترجمه این کتاب «ترغیب عامه مردم . . . بکسب علوم جدید» بود، زحمت زیادی کشید تا بتواند ترجمه‌ای «واضح و سلیس و روان و آسان» و تا حد امکان خالی از «عبارات مغلطه غیرمأنوسه و کلمات و اصطلاحات فرنگی» تولید کند (ص ۳). از

۱. برای آگاهی از تألیفات، ترجمه‌ها و تصحیحات نجم‌الدوله بنگرید به: سیدمحمد دبیرسیاقی (۱۳۸۲). «نجم‌الدوله دانشمندی جامع علوم و فنون قدیم و جدید». بیک نور، سال اول، شماره چهارم.

جمله راهکارهای او برای دستیابی به این هدف تبدیل سال‌ها و واحد مسافت به معادل آنها در فارسی بود. بدین ترتیب که وی «تمام تواریخ مسیحی را از سال و ماه بتاریخ هجری» و «تمام ابعاد را که بحسب کیلومتر فرانسه» بود به فرسخ تغییر داد (ص ۳). در مورد عبارات، کلمات و اصطلاحات علمی نیز او نه تنها تلاش کرده تا آنها را با «نظائری در فارسی و عربی» جایگزین کند بلکه در مواردی که معادل مناسبی برای اصطلاحات پیدا نکرده خود دست به معادل‌سازی زده و «برای هر کدام اسمی صحیح و مطابق وضع» کرده است (ص ۳).^۱ طبق نظر میرزا عبدالغفار، مترجمان برای ترجمه اصطلاحات علمی دو راه دارند. نخست آنکه اصطلاحات علمی زبان مبدأ را با اصطلاحات از پیش موجود در زبان و به عبارتی «آنچه اصطلاحات قدیم بود» جایگزین کنند و دوم آنکه در مواردی که در زبان فارسی (و یا زبان عربی) معادل مناسبی وجود نداشت دست به معادل‌سازی بزنند (ص ۳).

میرزا عبدالغفار علاوه بر صحبت از راهکارهای ترجمه‌ای، در مورد ویژگی‌های مترجم خوب نیز صحبت و در واقع تعریفی از مترجم خوب ارائه کرده است. او که خود به اصطلاحات علمی موجود در زبان فارسی و عربی احاطه کامل داشت، و به واسطه این آگاهی توانسته بود اصطلاحات علمی فرنگی را با معادل‌ها، یا به قول خود او نظائری مأنوس و آشنا برای فارسی‌زبانان جایگزین کند، معتقد بود که یکی از الزامات ترجمه متون تخصصی آشنایی مترجم با اصطلاحات علمی در زبان مادری خود است. به باور او، مترجم هر اندازه که «عالم و دانا باشد» اگر با «اصطلاحات قوم [خویش] بیگانه باشد» نمی‌تواند «ادای مطلب کند» و حاصل کار مترجمی که به استفاده از «اصطلاحات فرنگی قناعت» کرده است ترجمه‌ای می‌شود که «نزد عامه مردم مثل راه پریچ و تاب ناهموار سنگلاخ است و مایه انزجار طباع» می‌گردد (ص ۴). همچنین، او در مقدمه ترجمه‌ای با عنوان *اصول هندسه* (۱۲۹۲ق/۱۲۵۴ش) به صراحت از سه شرط لازم برای مترجم صحبت می‌کند. این شروط عبارتند از «اوّل اطلاع و احاطه بهردو [=به هر دو] زبان [و] ثانی اهل

۱. مانند «عامل» در برابر «فاکتر»، «ممیز» در برابر «ویرگول»، «منشور» در برابر «پرسم»، «هرم» در برابر «پیرامید»، «زاویه‌یاب» در برابر «کرافیتر»، «جامع‌الآلات» در برابر «پانتومیتر»، «قوة مایله بمرکز» در برابر «سانتریفوژ» و «جاذبه عمومی» در برابر «اتراکسون اُنیورسیل» (ص ۳).

آن علم بودن و از اصطلاحات آن در هر دو زبان بدرستی خبر داشتن» (ص ۳). معیارها و شروط ارائه شده از سوی میرزا عبدالغفار در قرن نوزدهم میلادی منطق با معیارهایی است که اندیشمندان و نظریه پردازان رشته مطالعات ترجمه در قرن بیست و یکم از آنها صحبت می کنند. همان طور که فرحزاد (۱۳۹۲) اشاره می کند، «امروزه بسیاری از صاحب نظران بر این عقیده اند که مترجم خوب کسی است که به زبان مبدأ (زبانی که از آن ترجمه می شود) و زبان مقصد (زبانی که به آن ترجمه می شود) و موضوع متن مورد ترجمه احاطه داشته باشد» (ص ۳).

۴. ۱. ۲. محمدطاهر میرزا

محمدطاهر میرزا (۱۲۵۱-۱۳۱۷ق/۱۲۱۴-۱۲۷۸ش)، نوه شاهزاده خوشنام قاجاری عباس میرزا است. آنگونه که در مقدمه ترجمه سه تفنگدار (۱۳۱۳ق/۱۲۷۵ش) از زبان خود محمدطاهر میرزا آمده است وی «از عنفوان جوانی و ابتدای زمان زندگانی تمامی همت خود را بر تحصیل علوم و کسب کمالات و فنون مقصور» داشت و از جمله تحصیلات او «یکی آموختن زبان فرانسه بود»، که نه با هدف «تقلید ابنای جنس»، بلکه برای دستیابی «بر علمی» که در آن زمان «در فرنگستان متداول» بود صورت گرفت (ص ۳). اگرچه عمده شهرت محمدطاهر میرزا به دلیل ترجمه رمان، به ویژه ترجمه آثار الکساندر دوما، است، اما چنانچه خود در مقدمه اشاره کرده است انگیزه اصلی و اولیه وی از یادگیری زبان خارجی ترجمه متون علمی بوده است. آنچه موجب تغییر مسیر وی و تبدیل او از مترجم کتب علمی به مترجم رمان، به ویژه رمان های تاریخی، شد، توجه خاص ناصرالدین شاه به او بود. محمدطاهر میرزا در مقدمه سه تفنگدار شرح می دهد که وی در ابتدا متون علمی، از جمله «هیئت جدید و ژاولوژی»،^۱ را ترجمه می کند «تا اینکه بر حسب اتفاق» از ترجمه او در پیشگاه ناصرالدین شاه صحبت به میان می آید (ص ۳). پس از آن «میل خاطر مبارک بر این علاقه یافت که» محمدطاهر میرزا «کتابیرا [= کتابی را] در رومان بجهت نزهت خاطر انور و انبساط طبع مبارک ترجمه کرده و تقدیم حضور مقدس» سازد (ص ۳). ظاهراً توجه

۱. منظور زمین شناسی (فرانسوی: géologie؛ انگلیسی: geology) است. محمدطاهر میرزا سال انتشار این اثر را ذکر نکرده است.

ناصرالدین شاه به او موجب آزرده‌گی و عصبانیت اعتمادالسلطنه شده بود. اعتمادالسلطنه (۱۳۵۰) در خاطرات روز یکشنبه ششم جمادی‌الاول سال ۱۳۱۰ ق (۶ آذر ۱۲۷۱ ش.) می‌نویسد:

کاغذی به آغا محمدخان خواجه نوشتم. شکایت از اینکه شاه چرا بمن تألمات روحانی می‌دهند. سالی هزار تومان از جیب خودم مخارج دارالترجمه می‌کنم. ده سال است متحمل این مخارج بلاعوض هستم. البته متجاوز از هزار کتاب و کتابچه در این مدت دادم. باز کتاب می‌دهند به محمدطاهر میرزا که بقدر شاگرد من می‌فهمد ترجمه کند. (ص ۸۴۱)

معلوم نیست که این ادعای اعتمادالسلطنه چقدر به حقیقت نزدیک است. اما مشخص است که محمدطاهر میرزا مورد توجه دو پادشاه قاجاری، ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه، بود و از جمله پرکارترین مترجمان دوره قاجار به حساب می‌آید.

در میان نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ترجمه‌ای با عنوان *زمینهای آسمانی* (۱۳۰۶ ق/۱۲۶۸ ش) از محمدطاهر میرزا وجود دارد که در صفحات انتهایی آن، در بخشی با عنوان *اعتذار مترجم*، اطلاعات ارزنده‌ای در مورد روش ترجمه‌ای وی و دیدگاه او نسبت به ترجمه یافت شد. *زمینهای آسمانی* اثری از کامیل فلاماریون^۱ درباره نجوم و سیاره‌ها است. طبق آنچه در بخش *اعتذار مترجم* نوشته شده، ترجمه *زمینهای آسمانی* به دستور ناصرالدین شاه و برخلاف میل باطنی محمدطاهر میرزا انجام گرفته است. او در این باره می‌نویسد که یکی از مشکلات ترجمه *زمینهای آسمانی* «در آنجا ماند که اصل این کتاب مصور است» و «در ایران» هیچ «نقاشی نیست» که بتواند «نظیر تصویرات» کتاب اصلی را «تقلید نماید و چون تمام مطالب وی غالباً حواله برویت [= به رؤیت] تصاویر است . . . این بود که در اصل از ترجمه این کتاب تحاشی داشتم تا حسب الامر مجبور بترجمه گشتم» (ص ۵۴۱). او در ادامه به ذکر انتقادهای احتمالی نسبت به ترجمه‌اش می‌پردازد. طبق پیش‌بینی او، ترجمه‌اش احتمالاً از دو جنبه مورد انتقاد قرار می‌گرفت: یکی از نظر فصاحت و بلاغت و قابل‌درک بودن مطالب و دیگری از نظر محتوای کلی اثر. پاسخ وی به این انتقادهای احتمالی سلب مسئولیت از خود به عنوان مترجم و ربط دادن نقصان‌های

^۱ Camille Flammarion (1842–1925)

ترجمه‌اش به عیب و حسن ذاتی ترجمه است. او به خوانندگان کتاب می‌گوید: «استدعا آنکه عیب بر من نگیرند که فلان عبارت نارسایی دارد و فلان جمله را ربطی بسابق نیست و فلان مطلب را تصدیق نداریم یا فلان قول را منکریم زیرا که این کتاب ترجمه است و ترجمه را عیبی و حسنی باشد» (ص ۵۳۹). او از بین رفتن فصاحت و بلاغت را ناشی از عیب ذاتی ترجمه و نتیجه طبیعی و اجتناب‌ناپذیر تغییر کلمات و عبارات از زبانی به زبان دیگر می‌داند. به باور او، «عیب» ترجمه این است که «بجهت انتقال از زبانی بزبانی و از لغتی بلغتی تغییر در وضع کنایات و استعارات و سوق کلام و حسن الفاظ میشود و این خللی در فصاحت و بلاغت گردد» (ص ۵۴۰). اما عیب ترجمه تنها به از بین رفتن فصاحت و بلاغت محدود نمی‌شود بلکه «بعضی از اوقات موجب قصور بیان نثر و باعث تعقید در کلام میگردد بحدیکه میشود که هیچ مطلب مفهوم نگردد»^۱ (ص ۵۴۰). محمدطاهر میرزا، که تلویحاً میان متون علمی و غیرعلمی تمایز قائل می‌شود، معتقد است که این عیب در ترجمه متون علمی و «مقالات علمیه» و به‌ویژه در «علمی که برای مطالعه‌کنندگان بالمره تازگی داشته باشد و آشنایی بااصطلاحات وی نداشته باشند» یا متونی که حاوی اصطلاحاتی باشند که «در لغت دیگر کلماتی بازی [= به ازای] آنها موضوع نشده باشد»^۲ و «هنوز در ایران شیوع نیافته و غیر از معدودی عملاً نشنیده و عملاً ندیده‌اند» بارزتر است (ص ۵۴۰). آن‌طور که معلوم است، محمدطاهر میرزا زمینهای آسمانی را نیز از جمله متون علمی می‌دانسته که از نظر موضوع و اصطلاحات علمی برای خوانندگان ایرانی تازگی داشته است. از این‌رو، از نظر وی «عجیب است» اگر خوانندگان ایرانی ترجمه وی را «به‌پسندند و مهملات و لاطایلاتش ننامند» (ص ۵۴۰). و اما در مورد انتقادهای احتمالی به محتوای کلی کتاب، وی تلویحاً به تفاوت میان ترجمه و تألیف و حسن یا برتری ترجمه نسبت به تألیف اشاره می‌کند. از نظر او حسن ترجمه این است که مترجم در قبال محتوای کتاب هیچ‌گونه مسئولیتی ندارد. وی بر این باور است که هر انتقادی به محتوای اثر، متوجه مؤلف است و نه مترجم، چراکه مترجم تنها ناقل سخنان نویسنده اصلی است و بابت نقل‌قول مطالب، هرچند هم نادرست باشند، نباید بر او خرده گرفت. محمدطاهر میرزا می‌نویسد:

۱. کذا؛ «که» تکرار شده است.

۲. یعنی در زبان دیگر معادلی برای آنها وضع نشده باشد.

«حسن او [= ترجمه]^۱ در آنجا است که بحثی در مطالب وی بر مترجم نیست اگرچه کفر صریح باشد زیرا که نقل قول ممنوع نیست و حکایت قول کفر کفر بشمار نرود»^۲ و سپس می‌گوید اگر نویسندۀ اثر «چنین گفت مرا چه. عقیده او این بود مرا چه حرج» (ص. ۵۴۱).

نکته جالب توجه این است که محمدطاهر میرزا نه تنها به انواع متن و مشکلات ترجمه متون علمی واقف بوده، بلکه از انواع ترجمه نیز آگاهی داشته و میان دو نوع ترجمه تحت‌اللفظی و ترجمه معنایی تمایز قایل شده است. او در حاشیۀ صفحه ۵۲۴ نسخه خطی زمینهای آسمانی نوشته است: «از اینجا به بعد را ترجمه تحت‌اللفظ نموده‌ام نه ترجمه بمعنی». وی در مورد دلیل تغییر در روش ترجمه می‌نویسد: «اگر یکورق [= یک ورق] را بدو کلمه [= به دو] ترجمه می‌کردم هر کسی میدید میگفت که نفهمیده است... پس تحت‌اللفظ ترجمه کردم و بعلاوه خواستم معلوم شود که آنها که ترجمه تحت‌اللفظی را ترجمه درست میدانند باید ملاحظه نمایند که این‌طور جمله‌ها را باید ببینند و بشوند» (ص ۵۲۴). گفته‌های محمدطاهر میرزا چند نکته را بر ما معلوم می‌سازد. نخست آنکه منظور وی از ترجمه تحت‌اللفظی ترجمه کلمه‌به‌کلمه و از ترجمه بمعنی ترجمه آزاد است. او در میانه ترجمه کتاب ناگهان تصمیم می‌گیرد که ترجمه بمعنی را کنار گذارد و با ترجمه تحت‌اللفظ ادامه دهد تا از این راه ثابت کند که تک‌تک واژه‌ها و عبارتهای متن اصلی را متوجه شده است و علت ترجمه بخش‌های پیشین به روش معنایی و آزاد عدم فهم متن اصلی نبوده است. گویا در آن روزگار ترجمه تحت‌اللفظ ترجمه درست تلقی می‌شده است.

۴. ۱. ۳. سعدالملک

سعدالملک لقب میرزا مهدی‌خان (۱۳۰۴ق-۱۲۶۶/۹ش-؟)، پسر محمدحسن‌خان قاجار و از مترجمان دوره پسامشروطه است. در میان ترجمه‌هایی که پس از دوره مشروطه چاپ شده است تنها یک ترجمه از سعدالملک یافت شد. این ترجمه که هزار و یک کابوس نام دارد در سال

۱. ضمیر «او» در گذشته «برای اشاره به انسان و جانور و بیجان» به کار می‌رفته است (پ. خانلری، ۱۳۷۴، تاریخ

زبان فارسی، تهران: سیمرغ، ج. ۳، ص ۱۷۹).

۲. مطابق مثل و حکم فقهی «ناقلُ الکُفْرِ لیسَ بِکافرٍ».

۱۳۲۹ق/۱۲۹۰ش در مطبعه فاروس به چاپ رسیده است. مقدمه میرزا مهدی خان بر این اثر حاوی اطلاعات جالب توجهی درباره دیدگاه‌های وی نسبت به ترجمه است.

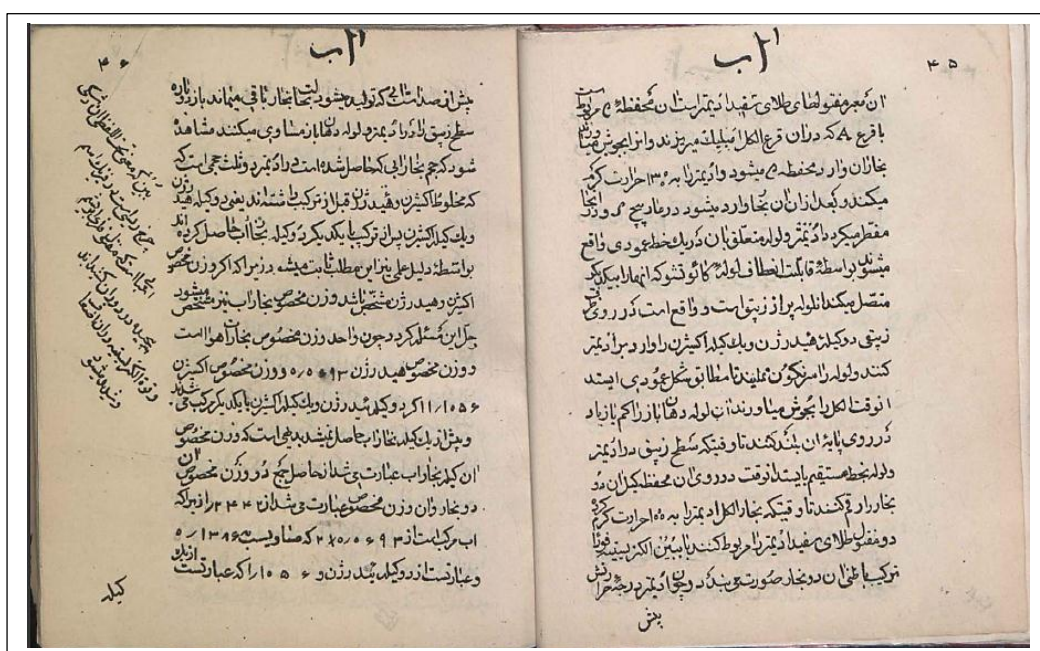
میرزا مهدی خان که ترجمه تحت‌اللفظی را نمی‌پسندید، با دخل و تصرف مترجم در ترجمه برای دستیابی به نتیجه مطلوب موافق بود. او در ابتدای مقدمه هزار و یک کابوس می‌نویسد: «مخفی نماند که هر مترجمی اگر متصرف نباشد آثار او نتیجه مطلوبه را نبخشد» (ص ۱). به باور او «هرگاه [مترجمان] بدون تصرفات شخصی عین عبارات و جمله‌های یک کتاب را ترجمه تحت‌اللفظی نمایند هر آینه بکلمات خنک و غیر دلچسب تبدیل خواهد یافت» و به این ترتیب «ترجمه تحت‌اللفظی» مانع از «ادراک و احساس» آن «لذت و حلاوتی» می‌شود «که در زبان اصلی آن کتاب موجود» است (صص. ۱-۲). میرزا مهدی خان در توجیه و توضیح دلایل دخل و تصرف خود در متن می‌نویسد:

اگر در اثنای مطالعه این کتاب قارئین محترم که تصنیف اجله را دیده‌اند پاره تصرفات ملاحظه فرمایند ایراد و انتقاد ننمایند که چرا مترجم دخل و تصرف نمود یا از فلان جمله کاست و بر دیگر افزود و اینرا هم باید در نظر داشته باشند که اولاً کتاب علمی نیست که از تصرف جزئی مسلوب‌الفایده گردد ثانیاً اصل موضوع از میان نمی‌رود. (ص ۲)

او به صراحت اعلام می‌کند که مترجم باید متصرف باشد چراکه ترجمه تحت‌اللفظی نمی‌تواند تأثیری مشابه با تأثیر متن مبدأ ایجاد کند. اما، او دخل و تصرف در متن و دور شدن از ترجمه تحت‌اللفظی را در هر شرایطی مجاز نمی‌داند. او به طور ضمنی به سه شرط لازم برای روی آوردن به چنین روشی در ترجمه اشاره می‌کند: نخست آنکه متن علمی نباشد، دوم آنکه مفهوم کلی اثر تغییر نکند و سوم آنکه هدف از دخل و تصرف «فقط تفهیم مطلب» باشد «بعباراتی روشن که مقبول خوانندگان افتد» (ص. ۲). میرزا مهدی خان نیز همچون محمدطاهر میرزا از تفاوت متون علمی با متون غیرعلمی آگاه بوده و روش ترجمه‌ای یکسانی را برای تمام متون توصیه نکرده است.

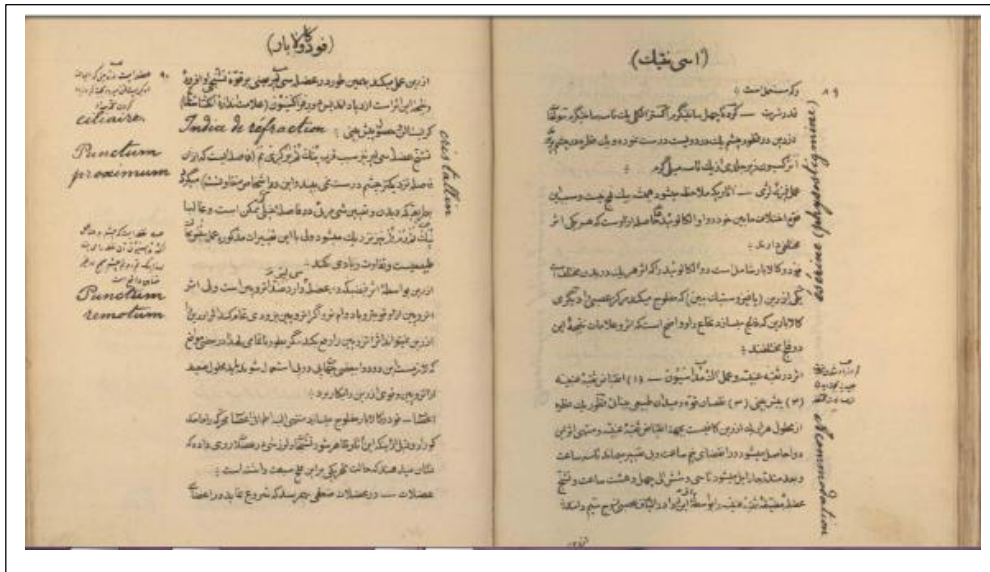
۵. نتیجه گیری

پژوهش حاضر نشان داد که در دوره قاجار مترجمانی فعالیت می‌کرده‌اند که برای انتقال مطالب به عامه مردم ایران دست به دخل و تصرف آگاهانه در متن مبدأ می‌زدند تا از این طریق بتوانند ترجمه‌ای مقصدمحور و متناسب با سطح دانش و سواد مردم آن دوره تولید کنند. در واقع، این مترجمان از سر آگاهی راهکارهای ترجمه‌ای متناسب با هدف ترجمه خود انتخاب کرده‌اند. این مقاله با رویکردی فرامتنی توانست برخی از این مترجمان را شناسایی و معرفی کند. نکته حائز اهمیت این است که اگرچه لازمه تولید متنی قابل‌فهم برای عموم مردم دور شدن از ترجمه تحت‌اللفظی بود، بسیاری از مترجمان بابت دخل و تصرف در متن عذرخواهی و یا از راه‌های گوناگون افزوده‌های خود را از مطالب نویسنده متن جدا کرده‌اند. به عبارتی، آنها هدف ترجمه را توجیهی برای عدم وفاداری به متن اصلی و دخل و تصرف گسترده در آن ندانسته‌اند. اگرچه یافته‌های پژوهش حاضر به هیچ‌وجه تعمیم‌پذیر نیست و نمی‌توان بر اساس آن حکمی کلی در مورد تمام مترجمان دوره قاجار صادر کرد، این یافته‌ها حاکی از آن است که در دوره قاجار مترجمانی آگاه به انواع متن، انواع ترجمه و راهکارهای ترجمه فعالیت می‌کرده‌اند.

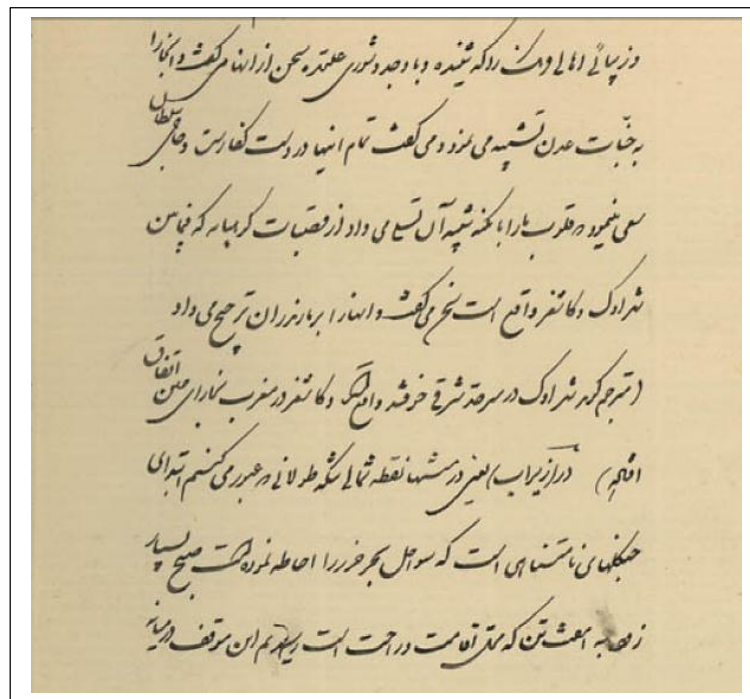


تصویر ۱. توضیح یک اصطلاح علمی در حاشیه اصول علم شیمی جدید (۱۳۰۷ق./۱۲۶۹ش.)،

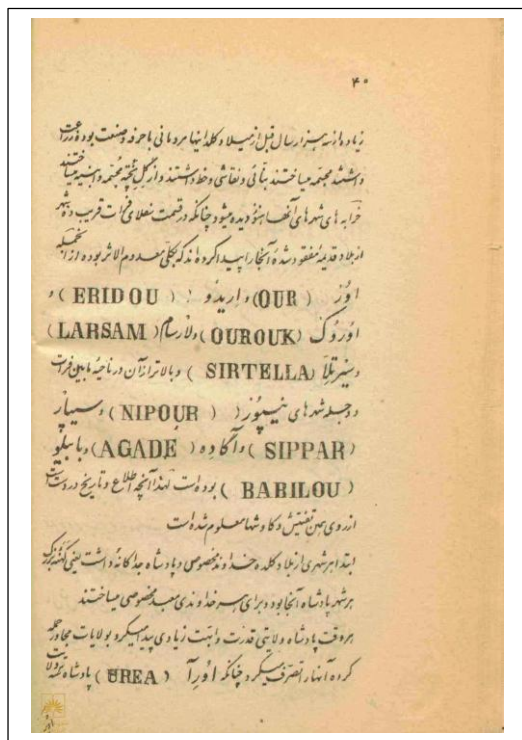
ترجمه محمد کاظم



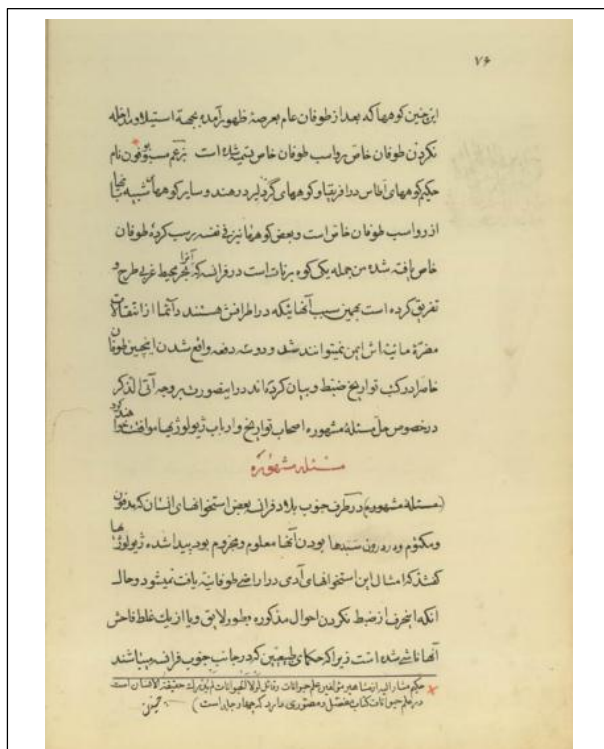
تصویر ۲. صورت اصلی و تعریف اصطلاحات در حاشیه مفتاح الادویه ناصری (۱۳۰۸ق./۱۲۷۰ش.)، ترجمه سیدحسین خان دکتر



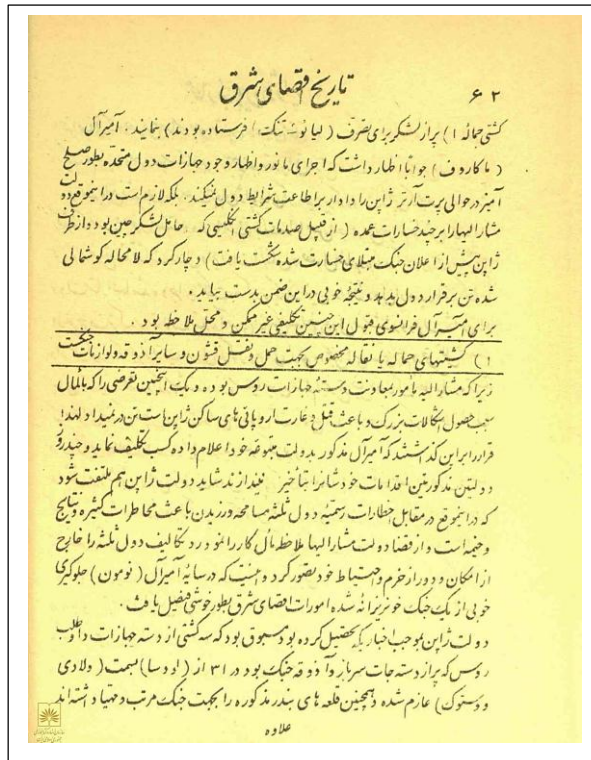
تصویر ۳. استفاده از پرائنتز در سفرنامه وامبری (۱۳۰۳ق./۱۲۶۴ش.)، ترجمه آوانس خان



تصویر ۴. استفاده از پراتر در تاریخ ملل قدیمه مشرق و یونان و ایران (۱۳۲۸ق./۱۲۸۸ش.)، ترجمه میرزا علیخان

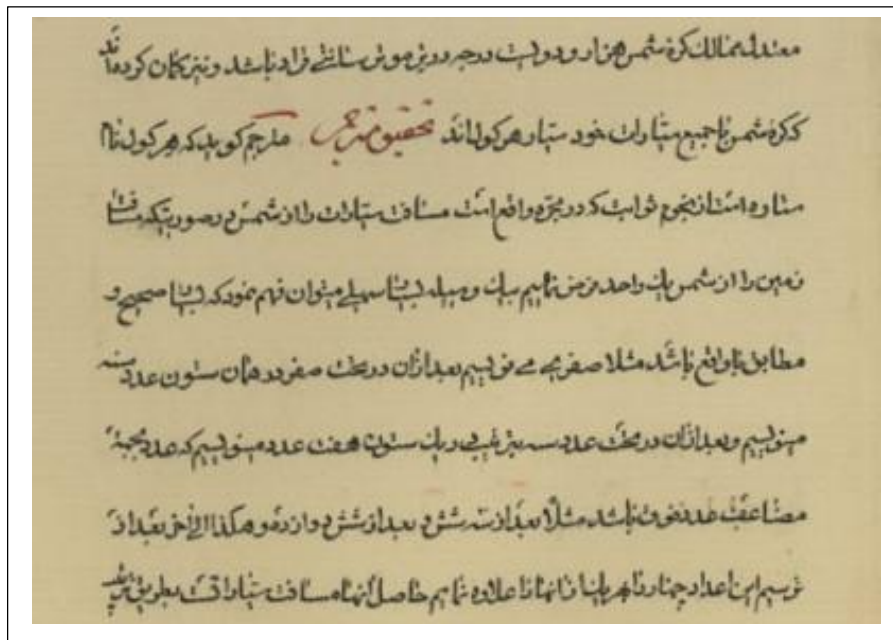


تصویر ۵. استفاده از پانویس در معرفه الارض ناصری (۱۲۹۸ق./۱۲۶۰ش.)، ترجمه احمد موسوی بحرینی



تصویر ۶. استفاده از پانویس در میانه متن محاربه چین و ژاپون یا تاریخ اقصای شرق (۱۳۲۶ق./۱۲۸۷ش.)،

ترجمه باقرخان تبریزی



تصویر ۷. افزوده درون متنی مترجم در اسرارالوجود (۱۲۹۱ق./۱۲۵۳ش.)،

ترجمه علی بخش قاجار

منابع:

- احمدزاده، م. (۱۳۹۰). وضعیت ترجمه، کنشگران و ابعاد آن در دوره قاجار. *تاریخ ایران*، ۵(۶۸)، ۱-۲۳.
- احمدزاده، م. (۱۳۹۳). نقش ترجمه آثار جدید در فرایند نوگرایی در ایران دوره قاجار. *تحقیقات تاریخ اجتماعی* (۸)، ۲۱-۴۸.
- آذرنگ، ع. (۱۳۹۰). تأثیر ترجمه‌های عصر قاجار بر ترجمه‌های امروز. *پژوهشنامه*، ۱۸، ۴۹-۶۰.
- اعتمادالسلطنه، م. ح. (۱۳۵۰). *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه* (جلد دوم). (ا. افشار، تدوین) تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- افشار، ا. (۱۳۸۱). آغازه‌ی ترجمه‌ی کتابهای فرنگی به فارسی. *ایران‌شناسی*، ۵۳، ۷۹-۱۱۰.
- بختیار، م. و عرب‌زاده، ه. (۱۳۸۸). دارالترجمه ناصری و اداره سانسور. *ادب فارسی*، ۱(۲)، ۱-۱۸.
- تفرشی، ت. (۱۳۲۴/ق ۱۲۸۵ش). *سواران شب*. تهران.
- خسروبیگی، ه. و خالدفیضی، م. (۱۳۹۱). ترجمه در دوره قاجار (از ۱۲۱۰ق. تا پایان دوره مظفری). *ادب فارسی*، ۲(۲)، ۱۲۵-۱۴۶.
- دهلوی، ا. (۱۳۹۴). *فتح الرحمن بترجمه القرآن*، به کوشش مسعود انصاری. تهران: احسان.
- علیزاده بیرجندی، ز. (۱۳۹۰). نقش ترجمه‌ها در رواج گفتمان انتقادی و بحران آگاهی در عصر قاجار. *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی* (۲۲)، ۱۵-۲۶.
- علی‌زاده، م. (۱۳۹۱). عصر ترجمه. *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، ۱۷۰، ۱۲۵-۱۲۹.
- فرخزاد، ف. (۱۳۹۳). *نخستین درسهای ترجمه* (نسخه چاپ بیستم). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- فرخزاد، پ. (۱۳۸۴). *راهنمای پژوهش تاریخی (کتابخانه‌ای)*. تهران: طهوری.
- فشاهی، م. (۱۳۵۲). *نهضت ترجمه در عهد قاجاریه*. نگین، ۹۹، ۱۸-۲۵.
- کیانفر، ج. (۱۳۶۸). *ترجمه در عهد قاجار*. نشر دانش، ۵۵، ۲۳-۲۸.
- مافی، م. (۱۳۲۹/ق ۱۲۹۰ش). *هزار و یک کابوس*. طهران: فاروس.
- محمد طاهر میرزا. (۱۳۱۳/ق ۱۲۷۵ش). *سه تفنگدار*. طهران: دارالطباعة آقا میرزا حسن طهرانی.

محمدطاهر میرزا. (۱۳۰۶ق/۱۲۶۸ش). *زمینهای آسمانی*. نسخه خطی.

موسوی شوشتری جزایری، ا. (۱۳۲۹ق/۱۲۹۰ش). *اختناتق ایران*. تهران.

نجمالدوله، ع. (۱۲۹۲ق/۱۲۵۴ش). *اصول هندسه*. طهران: مطبعه دارالفنون.

نجمالدوله، ع. (۱۳۱۴ق/۱۲۷۶ش). *آسمان*. طهران: مطبعه پاریس.

Atefmehr, Z. (2016). Translator's paratextual visibility: the case of Iranian translators from 1906 until 1926. *inTRAlinea*, 18.

Atefmehr, Z., & Farahzad, F. (2021). A microhistorical study of the first translators of Dār al-fonūn. *Translation Studies Quarterly*, 19(73), 81–95.

Bolouri, M., & Mirkiaei, M. (2019). The effects of the court's patronage on the selection of books for translation in the state translation bureau. *Translation Studies Quarterly*, 17(65), 7–20.

Delzendehtrooy, S., Khazae Farid, A., & Khoshsaligheh, M. (2019). Despotism and translation in Iran: The case of Naseri house of translation as the first state translation institution. *inTRAlinea*, 21.

Farahzad, F., & Adili, S. (2019). Translation, modernization and enlightenment: The Qajar translation movement. *Translation Studies*, 17(66), 8–23.

Karimi-Hakkak, A. (2009). Persian tradition. In M. Baker, & G. Saldanha (Eds.), *Routledge encyclopedia of translation studies* (2nd ed., pp. 493–501). London & New York: Routledge.

Saidi, M., & Manafi Anari, S. (2020). The contribution of translation to the formation of themes of 'city' and 'women' in the social novel in 'poetics proper' of the late Qajar era (1895–1925). *Translation Studies Quarterly*, 17(67), 7–24.

Investigation of the Qajar Era Translators' Knowledge of Translation Strategies and Principles: A Paratextual Approach^۱

Zahra Atefmehr^۲

Abstract

This study investigates knowledge of the Qajar era translators, from the reign of Naser al-Din Shah to the end of Qajar period (1848–1925), of translation principles and strategies using paratextual elements. To conduct the research, first, a list of translated works, published in the mentioned period, was compiled. The list included 372 translations, of which 207 were published in the Naseri era and 165 in the post-Constitutional period. Then to access the translations, various archives were examined. From among the 372 translation titles in the list, 199 translations were found in the archives. Finally, the 199 translations were studied in terms of paratextual elements, including translators' pre/postfaces, footnotes, marginalia, and other notes in translations. Findings of this study challenge some prevalent generalizations about the Qajar era translators' disregard for faithfulness in translation. Moreover, the study reveals that among the Qajar era translators some were familiar with text types, types of translation, different translation strategies and translation purpose.

Keywords: History of translation, history of translators, Naseri era, paratextual elements, Qajar era, translation principles, translation strategies

۱. This paper was received on 25.06.2022 and approved on 22.08.2022.

۲. PhD in Translation Studies, Department of English Translation Studies, Faculty of Persian Literature and Foreign Languages, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran; email: s.atefmehr@gmail.com